ای گلهای گلشن محبّت اللّه و ای سراجهای روشن انجمن معرفت…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٢١٠

ای گلهای گلشن محبّت اللّه و ای سراجهای روشن انجمن معرفت اللّه عليکم نفحات اللّه و اشرق آفاق قلوبکم ببهآءاللّه شما امواج بحر عرفانيد و افواج ميدان ايقان نجوم فلک رحمتيد و رجوم براهل ضلالت حدائق وجود را سحائب رحمتيد و حقائق موجود را فيوضات احديّت.

در لوح منشور امکان آيات توحيديد و برصرح مشيد رايات ربّ مجيد در گلزار الهی گل و ريحانيد و در گلستان معنوی بلبلان نالان طيور اوج عرفانيد و شاهباز ساعد حضرت رحمان .

پس چرا مخمود و خواموشيد و افسرده و مدهوش چون برق بدرخشيد و چون بحر بخروشيد و چون شمع بر افروزيد و چون نسائم الهی بوزيد و چون نفحات مشک جان و فوائح رياض رحمن مشام اهل عرفانرا معطّر نمائيد و چون انوار ساطعه از آفتاب حقيقی قلوب اهل عالم را منوّر کنيد نسيم حياتيد و شميم عرار حديقه نجات مردگانرا جان بخشيد و خفتگانرا هوشيار و بيدار کنيد در ظلمت امکان شعله نورانی باشيد و در باديهء گمراهی چشمه حيات و هدايت ربّانی وقت همّت و خدمت است و زمان شعله و حرارت تا زمان از دست نرفته است اين فرصت را غنيمت شمريد و اين وسعت را اعظم نعمت.

عنقريب اين چند روزه عمر فانی بسر آيد و با دست تهی بحفره خواموشی در آئيم پس بايد دل بجمال مبين بنديم و تمسّک بحبل متين جوئيم و کمر خدمت بربنديم و آتشی از عشق برافروزيم و از حرارت محبّت اللّه بسوزيم و زبان بگشائيم و آتش بقلب امکان زنيم و جنود ظلمت را بانوار هدايت معدوم کنيم و در ميدان جانفشانی در سبيل اللّه جانفشانی کنيم .

و گنج آستين معرفت اللّه را بر سراهل عالم بيفشانيم و با سيف قاطع لسان و سهام نافذ عرفان جنود نفس و هوا را شکست دهيم و بمشهد فدا بدويم و بقربانگاه حق بشتابيم و با طبل و علم آهنگ ملأ اعلی و ملکوت ابهی نمائيم .

فطوبی للعاملين \*